



حسین مرادیگی

جماعت عبدالله مهتدی، کومه له کدام دوره؟

سقوط شاه، (اسناد آن موجود است) که هر آدم کمونیست و انقلابی که سهل است، هر انسان معمولی را نیز به تعجب و خنده خواهد انداخت، صرف برخوردی شخصی، غیر سیاسی و حتی آزار دهنده بشکل دخالت در زندگی خصوصی افراد آن کرد. کنگره ای که در آن چند نفر را از ملاقات زن و دوست دختر خود، بمدت سه تا ۶ ماه بعنوان مجازات! به این علت که زن و یا دوست دختر داشته اند و بنابراین "زندگی خرد بورژوازی داشته اند"، محروم کرد! آیا این کنگره مورد **صفحه ۲**

کنفرانس و یا پلنوم و یا نشستی از این سازمان که در آن اهداف و برنامه آن تصویب شده است را قبول داشت. برای نمونه اگر یکی از فلان سازمان یا حزب انشعاب میکرد، میگفت پیرو فلان مصوبه و فلان کنگره و شاخه فلان و غیره است. در این صورت عبدالله مهتدی و همکارانش خود را پیرو کدام کنگره و کدام مصوبه این سازمان میدانند و یا کدام کنگره و مصوبه آن را قبول دارند حال که از نام سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له نام گذاری شد. سوال این است حال که عبدالله مهتدی ادعای وراثت این سازمان را دارد و از نام آن برای اهداف سیاسی خود استفاده میکند، کدام یک از کنگره ها و کنفرانسها و پلنومهای آن را قبول دارد؟ نمیشود ادعای نام سازمانی را داشت بدون اینکه اعلام شده باشد که کدام کنگره،

اینروزها دو جریان دارند روز کومه له را برگزار میکنند. این مناسبتی است که از جماعت انشعابی عبدالله مهتدی پرسیده شود که کومه له کدام دوره را نمایندگی میکنند؟ زیرا کومه له بویژه از سال ۵۷ به بعد یک سیر تکوینی داشته است و این پروسه دوره ها و مقاطع مختلفی داشته است که به لحاظ سیاسی و برنامه ای از همدیگر قابل تفکیک اند. مثلا تفاوت بنیادی کنگره اول و کنگره دوم سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له با کنگره دوم آن. کنگره اول کاملا در سنت چپ پوپولیستی و عقب مانده دوره بعد از سال ۴۸ برگزار میشود و کنگره دوم اساسا جزئی از پروسه ایجاد حزب کمونیست است که آقای مهتدی از آن اظهار ندامت میکند. بنابراین کومه له ای که عبدالله مهتدی مورد

نظرش است قاعدتا باید کومه له کنگره اول باشد که او و همکارانش دارند برای برگزاری آن سرودست میشوند. برای اطلاع خوانندگان یادآوری میکنم که سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له در کنگره اول، بوجود آمد و آنچه که سابقا در میان محافل موجود تا زمان تشکیل این کنگره، "تشکیلات" نامیده میشد، در این کنگره سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له نام گذاری شد. سوال این است حال که عبدالله مهتدی ادعای وراثت این سازمان را دارد و از نام آن برای اهداف سیاسی خود استفاده میکند، کدام یک از کنگره ها و کنفرانسها و پلنومهای آن را قبول دارد؟ نمیشود ادعای نام سازمانی را داشت بدون اینکه اعلام شده باشد که کدام کنگره،

تلاش برای آزادی محمود صالحی کماکان

ادامه دارد

صفحه ۲

مانورهای ناسیونالیسم کرد

صفحه ۴

رادیو انترناسیونال

هر شب
۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه
بوقت تهران
۴۱ متر برابر با
۷۵۲۰ کیلوهرتز
تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
مرکز اطلاعات و پیامگیر
۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷



امیر فرزاد

فراکسیون نمایندگان کرد و "خطر" سقوط رژیم

صفحه ۳

قرار گیرد. این خواست اکنون به خواست مردم آزادیخواه تبدیل شده است. کمپین حزب کمونیست کارگری ایران تا تحقق این خواست ادامه دارد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران طی اطلاعیه ای همه کارگران و مردم آزادیخواه را فرا خواند تا به اشکال مختلف دست به مبارزه برای آزادی محمود صالحی بزنند.

کردستان همراه با سایر کارگران و مردم آزادیخواه در اقصی نقاط جهان برای آزادی و معالجه محمود صالحی همچنان در جریان است. تهیه طومار و نامه های اعتراضی به مقامات حکومت اسلامی از سوی کارگران و مردم مبارز در شهرهای مختلف کردستان همچنان ادامه دارد. محمود صالحی باید آزاد شود و تحت مداوای فوری

مردم سقز طی نامه ای به خاتمی خواهان آزادی محمود صالحی شدند

این نامه برای ایسکرای شماره ۳۹ رسیده بود. اما چاپ آن به دلیل اشتباهی که پیش آمد به این شماره موکول شد. از این بابت پوزش میخواهیم ایسکرا

دبیر سندیکای خبازان اعلام کرده و خواهان آزادی و مداوای هرچه سریعتر او شدند. مبارزه کارگران و مردم

ایسکرا
سر دبیر: حسین مرادیگی
تلفن:
۰۰۴۶ ۷۰ ۷۷۷ ۸۰۹۸
آدرس:
K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm
پست گبرو ۱۶۷۸۴۷۱_۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جماعت عبدالله مهتدی...

قبول ایشان و همکارانشان است؟ کنگره ای که ایران را جامعه ای نیمه فئودال - نیمه مستعمره میدانست و میگفت سرمایه داری "وابسته" جنس بنجل تولید میکند و کارگران را بصورت مصرف کننده در میآورد و آنان را فاسد میکند، و بنابراین سرمایه داری آن سرمایه داری است که خودی است و استثمار هم میکند، لکن استثمارش "دلسوزانه" است. آیا عبدالله مهتدی این کنگره را که در واقع پایه گذار سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومهله بود، قبول دارد حال که ادعای وراثت آن را دارد؟ پس در این صورت باید نقد از «کنگره اول تا کنگره دوم کومهله» نوشته شعیب ذکریائی را از نو برعکس بنویسد!

بعدها بویژه از سال ۵۹ به بعد، بعد از یک سری بحث و جدل سیاسی سرانجام در کنگره دوم بخش اصلی رهبری و کادرها و اعضاء آنوقت سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومهله، و از جمله با نقش فعال خود عبدالله مهتدی، بعنوان انسانهای سیاسی، که خود را جزو گرایش مارکسیسم انقلابی ایران میدانستند که عده ای هم اکنون حی و حاضرند، نشستند و در کنگره دوم خود بینش پوپولیستی ناظر بر این کنگره و بر فعالیت سیاسی کومهله را به نقد کشیدند و در این کنگره پای قطع نامه هایی را که اکنون نیز موجود است امضاء گذاشتند و بخاطر دست آوردهای این کنگره از رفقای اتحاد مبارزان کمونیست نیز قدردانی کردند. بعدا همین آدمها و یک عده دیگر کنفرانس ششم کومهله را تشکیل دادند و بکمک و دخالت رفقای اتحاد مبارزان کمونیست قطع نامه های کنگره دوم را تدقیق کرده و نقد خود را از پوپولیسم عمیق تر کردند. همینطور در کنگره سوم کومهله برنامه حزب کمونیست ایران به تصویب رسید و در پلنوم سوم کومهله که آخرین پلنوم سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران کومهله تا قبل از تشکیل حزب کمونیست ایران بود، بر سر چگونگی تشکیل حزب کمونیست و تاریخ کنگره مؤسس آن مفضلا صحبت کردند و تصمیم گرفتند حزب کمونیست ایران را تشکیل دهند.

عبدالله مهتدی زیر همه مصویات این دوره سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومهله میزند، کل این پروسه و دوره های بعدی را نفرین کرده و بارها از اینکه چنین راهی را پیموده است اظهار ندامت میکند، در حالیکه عده ای از همین انسانهایی که بعضا حی و حاضرند، به آن وفادار مانده اند و آن را جزو افتخارات خود میدانند. عبدالله مهتدی میگوید کل این پروسه یعنی تشکیل حزب کمونیست ایران که کنگره دوم بخاطر آن تشکیل شد و تا کنگره مؤسس حزب کمونیست ادامه یافت اشتباه بود. بنابراین عبدالله مهتدی باید تاریخ این دوره از حیات کومهله را تا سال ۵۷ یعنی کنگره اول کومهله، برعکس بنویسد! نمیشود در اوج ریاکاری از "اخلاص" دم زد!

عبدالله مهتدی میگوید همه این پروسه اشتباه بود جز مبارزه کومهله برای خود مختاری، چیزی که عبدالله مهتدی به آن اذعان میکند و عملا تنها پلاتفرم برنامه ای، سیاسی و تاکتیکی سازمان او است که عبدالله مهتدی از بیان آشکار آن ریاکارانه طفره میبرد. بهتر است عبدالله مهتدی سر راست همین را بگوید و سازمان ناسیونالیستی و خودمختاری طلب خود را اعلام کند، کاری که عملا هم کرده است و ناسیونالیستهای کرد نیز میدانند که منظور "کاک

عبدالله" خودمختاری و "گردایه‌تی" است. اگر چه مهتدی تاکنون همین پلاتفرم را چسبیده‌اند و ریاکارانه کلمات کارگر و چپ را هم آزین بندی آن میکنند اما زمان زیادی نمیخواهد مثل بقیه جریانات ناسیونالیست همین تنها پلاتفرم واقعی‌شان را با صراحت پرچم کنند. اینکه از سال ۹۱ به بعد حزب کمونیست ایران دیگر عملا موجود نیست جز بصورت یک تابلو، این پروسه دیگری است که در چهار چوب دیگری قابل بررسی است و جریان کمونیسم کارگری در مورد آن یک تن مطلب نوشته شده است که هر خوانندای بخواد میتواند به این اسناد مراجعه کند.

در هرحال عبدالله مهتدی هنوز آشکارا وفاداری خود را به کنگره اول سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومهله بعنوان پلاتفرم سیاسی خود اعلام نکرده است و مادام روشن نکرده است که کدام یک از کنگره ها و کنفرانس و پلنومهای این سازمان را قبول دارد و از آن بعنوان پلاتفرم سیاسی و برنامه ای خود استفاده خواهد کرد، از لحاظ سیاسی حق ندارد از نام کومهله و دست مایه این سازمان برای پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده کند؟

جالب اینجاست که طرف مقابل عبدالله مهتدی در این مورد بلحاظ سیاسی به آنان «ب» اعتراض جدی‌ای ندارد و از آنان سوال نمیکند که به چه حقی از نام کومهله در جهت اهداف سیاسی خود استفاده میکنند؟ گو اینکه هر دسته و گروه دیگری که از این به بعد از هر کدام از آنان جدا شدند، نیز میتوانند نام کومهله را بی کم و کاست از آن خود کنند و تحت این نام اهداف خود را به پیش برند. حتی سازمان چریکهای فدائی خلق که منشعب شدند لاقلا هر کدام چیزی، تبصره ای،

پیشوند و پسوندی به نام خود اضافه کردند که برای دیگران از همدیگر قابل تفکیک باشند که کی پیرو کدام کنگره و مصوبه است. در حالیکه طرف مقابل عبدالله مهتدی، ابراهیم علیزاده، تلاشی برای جدا کردن کردن کومهله خود از جماعت مهتدی، نمیکند. هردو جریان، نمایندگی کومهله در خارج کشور را دارند که هردو با همان نام فعالیت میکنند، تنها شماره تلفنهای آنها باهم فرق میکند که آنهم میتواند چنین تعبیر شود که اینها دفاتر و شعبات یک سازمان معین در خارج کشور هستند. گفتن اینکه جماعت عبدالله مهتدی سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومهله هستند و کومهله دیگر، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، در حقیقت تفکیکی بین این دو در انظار عمومی ایجاد نخواهد کرد. تاوقتی که هردو به خودشان میگویند کومهله و تاوقتی که هردو با نام کومهله فعالیت میکنند، معلوم نخواهد شد که این دو کومهله ماهیتا با هم چه فرقی دارند؟ و مادام که از جانب طرف مقابل عبدالله مهتدی هیچگونه تلاشی برای تفکیک سیاسی خود با جماعت عبدالله مهتدی در بکار بردن نام کومهله نمیشود، تنها پسوند عبدالله مهتدی و ابراهیم علیزاده باقی خواهد ماند که این دو را از همدیگر جدا کند؟ چیزی که اکنون رواج پیدا کرده است. البته در صورت کنار کشیدن هر کدام از اینها، معلوم نیست بر سر همکاران آنها چه خواهد آمد و باید اسم کدام یکی از زعمای خود را برای بیان هویت سازمان خود بکار برند؟

تلاش برای آزادی محمود صالحی کماکان ادامه دارد

با تلاش فعالین حزب کمونیست کارگری، تعداد دیگری از اتحادیه های کارگری در فنلاند، نروژ و انگلیس طی نامه هائی به خاتمی خواهان آزادی محمود صالحی شدند.

فدراسیون اتحادیه های کارگران نفت نروژ در نامه به خاتمی نوشته است: بار دیگر، از اعمال وحشیانه جمهوری اسلامی بر علیه کارگران ایران اطلاع یافته است. او اف اس شیدیا به این اعمال اعتراض دارد. این اولین باری نیست که ما علیه اعمال وحشیانه جمهوری اسلامی اعتراض میکنیم.

اتحادیه متحد خدمات فنلاند با ۲۰۰ هزار عضو، اتحادیه سراسری کارکنان دولتی و خدمات ویژه فنلاند، اتحادیه کارگران صنایع چوبی فنلاند، اتحادیه آته نیستهای فنلاند و اتحادیه کارگران ارتباطات مرکز پست غرب لندن نیز در روزهای اخیر به کمپین حزب کمونیست کارگری برای آزادی محمود صالحی پیوسته اند.

فراکسیون نمایندگان کرد و "خطر" سقوط رژیم

ایرج فرزاد

با نزدیک شدن انتخابات سال ۸۰، همه سران ریز و درشت جمهوری اسلامی به دست و پا افتاده‌اند. چنین وضعیتی مردم را به سوی آلترناتیو دیگری میکشاند، آلترناتیو "براندازی" رژیم، یک بحث جدی و روز است و در اذهان توده‌های مردم میچرخد. خاتمی و دو خرداد خیری به مردم که نرساندند هیچ، برعکس معلوم شد که اینها از قدرت توهم پراکنی در میان مردم نیز دارند به کلی محروم میشوند. در چنین فضائی است که آقای بهالدین ادب، همراه با جلال جلالی‌زاده و رحمان نامجو از اعضای "فراکسیون" نمایندگان مناطق کردنشین در مجلس ششم شورای اسلامی، بیانیه‌ای صادر کرده‌اند. جوهر اصلی این بیانیه اعلام نگرانیها و دلهره‌های صادرکنندگان آن در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۰ است. از جمله خطاب به مردم کردستان نوشته‌اند که آرامش را حفظ کنند و نقشه "بدخواهان" را که میخوانند اوضاع کردستان را بحرانی و ناآرام معرفی کنند، برهم زنند. در بیانیه همچنین اضافه شده است که مردم کردستان با حفظ آرامش، در واقع به "نمایندگان" خود در مجلس اسلامی فرصت بدهند تا آنها بتوانند در جهت خواسته‌های مردم کردستان گام بردارند. اما قبل از اینکه به اهداف این بیانیه بپردازم لازم میدانم به یک نکته که ارتباط مستقیمی با این مساله دارد اشاره کنم:

داشتند و جای دارند. نگرانی بها ادب و فراکسیون محترم از این قدرت اجتماعی است و میدانند که این سنت دخالتگری کمونیستها در کردستان اکنون در حزب کمونیست کارگری تبلور دارد و تداوم یافته است. چه، بسیاری از همان رهبران خوشنام و محبوب مردم که زنده مانده‌اند اکنون در حزب کمونیست کارگری متشکل‌اند. اینها از ابعاد تاثیر گشت سیاسی نظامی نیروهای پارتیزان حزب کمونیست کارگری در مریوان به رهبری عبدالله دارابی و مجید حسینی آگاهند. این وجه نگرانی جدی بها ادب و فراکسیون کذائی است. اما درعین حال همین آقایان خوب میدانند که اگر مردم کردستان برای "حماسه دوم خرداد" تره خورد نمیکند، اگر مردم، پیروان جناح خاتمی را قبلا در راس اعدام ۵۹ نفر شهر مهاباد در سال ۶۲ و کشتار مردم قارنی و قلاتان دیده بودند، اگر حاکمان شرع اعدامهای صحرائی و اسلامی در سنج و مریوان و پاوه و نوسود و سقز را اکنون در صف دوم خرداد می‌بینند، اگر فرماندهان سپاه و وزارت اطلاعات را در جریان یورشهای خونین و لشکرکشی به کردستان در چهره‌هایی که اکنون در هیات روزنامه نگار و قلم بدست "دگراندیش" ظاهر میشوند باز میشناسند، طبیعی است که دوم خردادها حتی از توان توهم پراکنی در میان مردم کردستان محروم بمانند. اما در مورد جریانانات ناسیونالیستی‌ای که طی این سالها و بویژه بعداز دوخرداد سعی کرده‌اند از هرنوع ارتباط خود با کمونیستها و "آشوبگران" در کردستان تبری جویند مساله فرق میکنند. حزب دمکرات کردستان ایران به مردم

کردستان فراخوان داد که در انتخابات دو خرداد، انتخاباتات شوراهای اسلامی و انتخاباتات مجلس ششم شرکت کنند. مذاکره پنهانی حزب دمکرات و پرسه توام با هیجان کودکانه جریان تازه وارد شده به بستر ناسیونالیستی در کردیورهای دیپلوماسی سری، جریان کومهله زحمتکشان عبدالله مهتدی، و تبلیغات توام اینها در مورد "تحولات مثبت" به رهبری خاتمی از چشم جمهوری اسلامی و نمایندگان کرد زبان آن در مجلس پوشیده نیست. مخاطب بها ادب و فراکسیونش اینها هستند. میدانند که با آویزان شدن به ناسیونالیسم کرد و باد زدن خرافات ناسیونالیستی رگ خواب خودمختاری‌طلبان و فدرالیسم چپها را یافته‌اند، میدانند که علیه کمونیسم و نفوذ اجتماعی آن در کردستان فقط میشود از ناسیونالیستها کمک خواست و اینها هم آماده خدمت‌اند. در عین حال بها ادب و فراکسیون مذکور در جستجوی مفری است برای آینده خود در فردای فروپاشی رژیم. میخواهند به بستانی را با نیروهای ناسیونالیستی طرح کنند تا فردا مردم آنها را به پای میز محاکمه نکشند. اما مهمترین هدف فعلی آنها رسیدن به هدف گذر دادن جمهوری اسلامی از این آخرین بحران سیاسی و باتکا خرافه ناسیونالیسم کردی است. مدتی است که چه با چراغ سبزدادنه‌های متقابل بین اینها و جریانانات ناسیونالیست کرد و حمایت از پ ک ک، چنین روالی را در پیش گرفته‌اند. سوال این است آیا جناح کردی جمهوری اسلامی قادر خواهد بود در بند و بست و اتحاد عمل غیر رسمی با جریانانات ناسیونالیست کرد، و تحریک

احساسات ناسیونالیستی خاک در چشم مردم کردستان بپاشد؟ آیا خنثی کردن نفوذ کلام کمونیستها و کنار زدن نیروی کمونیسم کارگری باین سادگی شدنی است؟ حساب باز کردنه‌های بها ادب بر روی جریانانات ناسیونالیست کرد، ناشیانه و از روی خوش باوری و توهم به قدرت مانور جریانانات ناسیونالیستی کرد است. مردم کردستان با مطرح شدن دگر باره جریانانات ناسیونالیستی در مقطع فروپاشی رژیم و بعنوان نیروئی که همواره از بنیانهای حکومت مرکزی دفاع کرده است، که همواره علیه چپ و کمونیستها و مدافع سنتها و عقاید ارتجاعی و سنی‌گری تحت نام فرهنگ و میراث اصیل کردی بوده‌اند، پیشینه و اسلوب و روش ناسیونالیستهای کرد را در کردستان ایران و در منطقه نیز مرور و بازبینی خواهند کرد. اینها کارنامه درخشانی از خود بجای نگذاشته‌اند. فروپاشی جمهوری اسلامی این بار در کردستان، مردم را به تقابل جدی و طرد و انزوای ناسیونالیسم کرد در اذهان فرامیخواند. چنگ زدن امثال بها ادب به خرافه ناسیونالیسم و تحریک احساسات ناسیونالیسم کردی را برای عبور دادن جمهوری اسلامی از بحران مرگ، به شکست کشانیم. ■

یک دنیای بهتر.

برنامه

حزب کمونیست

کارگری

را بخوانید

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مانورهای ناسیونالیسم کرد

به بازی با سرنوشت مردم باید پایان داد



رحمان حسین زاده

تحلیل مصائب غیر قابل تصوریست که موارد بیشمار آن به ثبت رسیده است. به این روند میتوان پایان داد.

زمان آن رسیده است که به بازی با سرنوشت مردم توسط ناسیونالیسم کرد خاتمه داد. کارنامه ناسیونالیسم کردو رهبران و احزاب آن چیزی جز ارتجاع، بند و بست و معامله، همدستی با دولتها و ارتجاع در منطقه و در سطح بین‌المللی، مقابله با آزادیخواهی و حق طلبی کارگران، زنان و مردم آزاده در کردستان بیش نیست. اینها نه تنها سد راه مبارزه مردم برای رفع تبعیضات و نابرابریهای اجتماعی، بلکه مانع به سرانجام رسیدن تلاشهای تاریخی مردم برای رفع ستم ملی هم هستند. مردم کردستان نه تنها دست دولتهای سرکوبگر مرکزی را باید از سرخود کوتاه کنند، بلکه زدن و پایان دادن به سلطه سیاسی و نظامی ارتجاع ناسیونالیستی شرط اساسی

رهایی و آزادی و بازیابی اراده سیاسی و آزادانه این مردم در تعیین سرنوشت و آینده سیاسی شان است. ضامن این کار به میدان آمدن جنبش متفاوت و متمایز و رادیکال کارگران و مردم آزاده کردستان برای آزادی و برابری و رهایی از ستم ملی، حول پرچم سوسیالیسم و طبقه کارگر است. به میدان کشیدن این جنبش امر کمونیسم کارگری و احزاب کمونیست کارگری در منطقه است. بیش از این نباید به ناسیونالیسم امکان داد سرنوشت مردم را به بازی بگیرد.

تحلیل کرده‌اند از ماهیت و اهداف سیاسی و برنامه‌های این احزاب سرچشمه گرفته است.

سرکوب و ستمگری ملی از ارکان اصلی سیاست رژیم های مستبد و مرتجع و شوونیست مرکزی کشورهای منطقه بوده که مردم کرد زبان در آن ساکنند. وجود ستم ملی و خواست برحق رفع این ستم بهانه و توجیه ناحقی برای سیاستهای ضد مردمی ناسیونالیسم کرد و جریانات وابسته آن بوده است. در همه مراحل مبارزات مردم کردستان علیه دولتهای مرکزی، جریانات ناسیونالیست تحت نام رفع ستم ملی و سوار بر توهمات مردم، سهم خواهی طبقات دارای کرد و در دوران اخیر بورژوازی کرد را از قدرت سیاسی طلب نموده و اهداف ارتجاعی - طبقاتی خود را زیر لوای "منافع عمومی ملت" و با پوشش "کردایه‌تی" قالب زده‌اند.

اعمال ستمگری و تبعیض ملی از جانب دولتهای مرتجع مرکزی به ناندانی تبدیل شده که ناسیونالیسم کرد از آن تغذیه میکند. به همین دلیل جریانات ناسیونالیست کرد نه حل قطعی مسئله ملی بلکه کشدار شدن آن را به نفع بقاء خود میدانند. راه حل سر راست حل مسئله ملی را دور میزنند و به جای آن تعابیر دل‌بخوایی و فرمولهایی چون "خودمختاری"، "فدرالیسم"، حقوق فرهنگی و حقوق بشر خلق کرد" را مطرح میکنند تا بنا به تناسب قوای متفاوت و مصالح روزشان

اساسا جمهوری اسلامی را انتخاب کرده و به آغوش آن خزیده و در خدمت اهداف منطقه‌ای این رژیم همچون عامل سیاسی و نظامی آن عمل میکنند. در این رابطه اظهارات اخیر عثمان اوجلان از سرکردگان این جریان هیچ شبهه‌ای باقی نگذاشته است. او گفته است "اگر احزاب کرد در چارچوب سیاست جمهوری اسلامی عمل کنند، مسئله کرد حل میشود و آشتی برقرار میگردد!!"

مانورهای ضد و نقیض و داد و ستد و معامله سیاسی احزاب ناسیونالیست کرد، تازگی ندارد. برهر فرد آشنا به تاریخچه جنبش ملی کرد و سران و احزاب آن واضح است که نان به نرخ روز خوردن و عدم پایبندی به هیچ پرنسیبی، برجسته‌ترین شاخص و بزرگترین پرنسیپ آنهاست. "خاطره نویسان ناسیونالیست کرد" خود بر این امر صحنه میگذارند اما گاهی ساده لوحانه زیر لوای "شرایط منطقه و از سر ناچاری" و "توطئه دشمنان و عوارض جنگ داخلی و خیانت رهبران" و غیره آن را توجیه میکنند. این توجیهات سطحی در بهترین حالت میتواند اثرات جانبی افق و سیاستی باشد که ناسیونالیسم کرد و احزاب آن دنبال میکنند.

واقعیت اینست که موقعیت و مناسبات این احزاب با دولت مرکزی مربوطه و دیگر دول مرتجع منطقه و موتهلفین بین‌المللی و طرف‌های داد و ستد سیاسی‌شان، جنگ و آشتی شب و روزشان با هم و نسخه غم‌انگیزی که برای جامعه کردستان پیچیده و

مانورها و اظهارات اخیر سران احزاب ناسیونالیست کرد بار دیگر تراژدی دیرپای به بازیچه گرفتن سرنوشت و زندگی مردم در کردستان توسط آنها را یادآور میشود. مسعود بارزانی رهبر حزب دمکرات کردستان عراق همین چندی قبل اعلام کرد "دستگاه اداری کرد مرده و راه چاره سازش با رئیس جمهور عراق صدام حسین است". به دنبال جنگ pkk و اتحادیه میهنی و در شرایطی که ارتش ترکیه با همکاری هر دو حزب حاکم کردستان عراق در استان سلیمانیه مستقر شده است، جلال طالبانی این متحد و همدست چند ساله جمهوری اسلامی، طبق عادت جافتاده‌اش رنگ عوض کرد و با پرواز مستقیم هلی‌کوپتر ترکیه راهی آنکارا شد، تا پادش همکاری با ترکیه و جنگ با pkk را دریافت کند. یک مقام دولتی ترکیه با تاسف اعلام کرد که در گذشته دولت ترکیه اشتباه کرده و از ظرفیت و توان طالبانی و اتحادیه میهنی استفاده نکرده است و او را پشت گوش انداخته است. شاید برای جبران همین سران ترکیه مایه گذاشتند و نخست وزیر و مقامات بالای ارتش، طالبانی را ملاقات کردند و جناب طالبانی هم بر "نقش محوری ترکیه" در اوضاع کردستان عراق تاکید کرد و سپس به معاملات پنهانی پرداخت و دستورالعملها را گرفت و برگشت.

در مقابل، جریان به بن بست رسیده pkk در باز تعریف نقش و مکان جدید خود در معادلات منطقه

کمیته کردستان

رحمان حسین زاده، دبیر کمیته ۸۳۷ ۸۵۵ ۷۳۹ ۰۰۴۶

Fax:0044 870 133 7209

Email: r_hoseinzadeh@yahoo.com

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!